

انتفاضه‌ی فلسطین: نمی‌توان در برابر فرایند آزادسازی مقاومت کرد

وبجای پراشاد / ترجمه‌ی احسان پورخیری



بله، در خیابان خشونت هست. این خشونت است که بینندگان را به فکر وا می‌دارد. زمینه‌ی آن به کناری نهاده می‌شود. چرا آنان از چاقو استفاده می‌کنند یا چرا سنگ پرتاب می‌کنند - این افق پرسش است. غلیان خشونت از سوی فلسطینی‌ها همیشه رسانه‌های غربی را متحیر می‌کند - چرا مقاومت می‌کنند؟ هنگامی که اسرائیل غزه را بمباران می‌کند و هزاران نفر را می‌کشد، یا وقتی بولدوزرها و هلیکوپترهای اسرائیلی خانه‌های خانواده‌های بی‌گناه در کرانه‌ی غربی یا اورشلیم شرقی را هدف قرار می‌دهند، سرگشتگی مشابهی وجود ندارد. این سردرگمی نابرابر و غیرمنصفانه است. بله، در خیابان‌ها خشونت موج می‌زند، اما این تنها خشونت موجود نیست.

خشونت بی‌امان (hot violence / خشونت عربان) متعلق به ارتش اسرائیل است. اما هم‌چنین نوعی خشونت وجود دارد که تجو کول (Teju Cole) آن را خشونت سرد (cold violence) سیاست‌های دولت اسرائیل می‌خواند. اسرائیلی‌های دست‌راستی سرزمین‌های فلسطین اشغالی را با تعابیر خودشان (یهودیه و سامریه) نام‌گذاری می‌کنند. آیلت شاکد وزیر دادگستری آن‌ها - در مقابل این عقیده‌ی بین‌المللی - از اذعان به این‌که اساساً اشغالی در کار است سر باز می‌زند؛ وی می‌گوید کرانه‌ی غربی و اورشلیم شرقی «مناطق محلّ مناقشه» هستند.

طبقه‌ی مهاجر اسرائیل که به نحو قابل ملاحظه‌ای قدرتمند است با نام‌گذاری دوباره‌ی این مناطق - تحت پشتیبانی دولت‌شان و با نقض قوانین بین‌المللی - شهرک‌هایی منحصرأ یهودی در این سرزمین بنا کرده‌اند. این کار واکنش فلسطینی‌ها را برانگیخت. سپس

سر و کلاه دیوارها پیدا شد، [و بعد] ایست‌های بازرسی، بولدورزها، نابودی زندگی فلسطینی‌ها و تحقیر [فرا رسید] - تمام این‌ها طراحی شده تا هزینه‌ی زندگی بالا رود و فلسطینی‌ها دُم‌شان را روی کول‌شان گذاشته و بروند. تجو کول، در مشارکت‌اش در کتاب نامه‌هایی به فلسطین نام این فرایند را «خشونت سرد» گذاشته است. او می‌نویسد: «قرار دادن مردم در وضعیت بلا تکلیفی شدید درباره‌ی اولیات زندگی، طی سال‌ها و دهه‌ها، شکلی از خشونت سرد است.»

برای اسرائیلی‌ها نه هیچ فرایند صلحی در کار است و نه هیچ امکانی برای یک دولت فلسطینی و نه هیچ امکانی برای عدالت در حق فلسطینی‌ها. همان‌گونه که شاکد، وزیر دادگستری، به مهدی حسن خبرنگار الجزیره گفته است: «وضع موجود بهترین گزینه است.»

اگر کسی را با متکا خفه می‌کنید، نباید انتظار داشته باشید که آن شخص بی هیچ حرکتی پذیرای خفگی شود.

بیانیه‌ی سازمان ملل درباره‌ی استجابت استقلال کشورها و مردمان مستعمره به سال ۱۹۶۰، که درباره‌ی مسئله‌ی فلسطین نیز ساری و جاری است، حق مقاومت برای مردمی که [سرزمین‌شان] اشغال شده را به رسمیت می‌شناسد. در این بیانیه آمده است که: «نمی‌توان در برابر فرایند آزادسازی مقاومت کرد.»

کدام عدم خشونت؟

از همان روزهای آغازین انتفاضه‌ی اول در سال ۱۹۸۷ به این طرف، لیبرال‌ها فلسطینی‌ها را به خاطر ناکامی‌شان در شبیه به گاندی شدن ریشخند کرده‌اند. کودکانی که سنگ پرتاب می‌کنند به خاطر نداشتن استراتژی مورد تمسخر قرار گرفته شده‌اند، و کودکان چاقوکش نیز به همین ترتیب صرفاً به عنوان تروریست تصویر شده‌اند. پرسش محافل غربی این است که «چرا فلسطینی‌ها برنامه‌ای فاقد خشونت را در دستور کار قرار نمی‌دهند؟»

این پرسشی خوب ولی نامربوط است. پرسش اصلی این است که چرا اسرائیل - قدرت اشغال‌گر - طریقتی سیاسی برای فلسطینی‌ها را روا نمی‌دارد. اشغال توسط اسرائیلی‌ها باعث آن چیزی شده است که باروخ کیمرلینگ آن را، در هنگامه‌ی انتفاضه‌ی دوم، «سیاسی‌کشی» ("politicide")، مرگ سیاست، خوانده بود. کیمرلینگ مدعی شده بود که سیاست‌های آرپل شارون نهادهای سیاسی و مدنی فلسطینی‌ها را مثله کرده، اقتصادشان را نابود کرده و مردم را به یأس عمومی کشانده است. کیمرلینگ بیان داشته است که هدف نهایی «انحلال وجود مردم فلسطین در مقام یک موجودیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشروع است.»

یکی از وجوه این سیاسی‌کشی عبارت بود از این که [دولت اسرائیل] به حماس، که در انتخابات قانونی فلسطینی‌ها در سال ۲۰۰۶ قاطعانه پیروز شد، اجازه نداد در محدوده‌های تنگ پیمان آسلو حکمرانی کند. حتی اجازه‌ی این کار هم داده نشد. در این بین، هر کدام از رهبران سیاسی که دارای چنان پایگاه توده‌ای راستینی بود که اشغال اسرائیلی‌ها را به چالش بکشد محکوم به زندان شد. مروان برغوثی، رهبر بی‌اندازه محبوب فتح که از جمله رهبران انتفاضه‌ی دوم نیز بوده، از سال ۲۰۰۲ در زندان به سر می‌برد. برغوثی در نوامبر گذشته فراخوان انتفاضه‌ی سوم را صادر کرد. او نبض مردم‌اش را در دست دارد. هم‌چنین است احمد سعادت، رهبر جبهه‌ی مردمی آزاد فلسطین (PFLP)، که از سال ۲۰۰۲ در زندان است. اسرائیلی‌ها در آوریل سال جاری خالده جرّار، رفیق سعادت در جبهه‌ی مردمی آزاد فلسطین، را نیز به بند کشیده‌اند که وی تحت بازداشت غیرقانونی (administrative

(detention) اوضاعش رو به وخامت می‌رود. برغوثی، سعادت و جرّار واجد پایگاهی توده‌ای هستند که به جدّ اشغال اسرائیلی‌ها و پیمان‌های اُسلو را به چالش می‌کشند. آنان در زندان به سر می‌برند. هیچ‌یک از کسانی که به کارهای خشونت‌بار فلسطینی‌ها خرده می‌گیرند، نمی‌پرسند چرا اسرائیل برای این رهبران سیاسی مشروع احکام بلندمدت صادر می‌کند. بدگویی از کودکان درون خیابان‌ها آسان‌تر است. به پرسش کشیدن اس‌و‌اساس اشغال - یعنی به پرسش کشیدن سیاسی‌گشی‌های اسرائیل بسیار دشوارتر است.

برغوثی با عنوان ماندلای فلسطینی‌ها شناخته می‌شود. هنگامی که رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ماندلا را از زندان خلاص کرد، او فرماندهی یک جنبش توده‌ای را برعهده گرفت که بی‌امان به سوی پایان دادن به دولت آپارتاید حرکت می‌کرد. اسرائیل احتمالاً از چنین پیامدی می‌هراسد. بهتر است برغوثی را در زندان نگاه دارد تا این‌که با آزادی‌اش در زمینه‌های سیاسی خطر کند.

تئاتر آزادی

مجمع تئاتر آزادی در میان اردوگاه آوارگان شهر جنین قرار گرفته است. این مرکز که زاییده‌ی انتفاضه‌ی دوم است در سال ۲۰۰۶ بنا نهاده شد. جولیانو میرخمیس، یکی از بنیان‌گذاران این مرکز که در سال ۲۰۱۱ به قتل رسید، در همان اوقات گفت: «اسرائیل سیستم عصب‌شناختی جامعه، که فرهنگ، هویت و ارتباط است را تخریب می‌کند». میرخمیس، که مادری اسرائیلی و پدری فلسطینی داشته است، برخاسته از کار مادرش در جنین در میان کودکان اردوگاه بوده است. او به تنی چند از این کودکان ملحق شده است - از جمله زکریا زبیدی که پیش از این در انتفاضه‌ی دوم نقش یک مبارز را برعهده داشت - تا این تئاتر را برپا سازد؛ یعنی پایه‌ی همان چیزی که میرخمیس امیدوار بود انتفاضه‌ی بعدی، یک انتفاضه‌ی فرهنگی، باشد.

در سرتاسر فلسطین، یک دنیا امید وجود دارد؛ مانند تئاتر آزادی که از حیث سیاسی عمیقاً علیه اشغال است و با این حال غم‌خوار و مشفق روحیه‌ی انسانی است. سال گذشته، تئاتر آزادی یک تور اتوبوسی در سرتاسر مناطق اشغالی فلسطین برپا کرد. در آن اتوبوس سودانوا دسپانده بازیگری از کمپانی تئاتر خیابانی کمونیستی هند، یانا ناتیا مانش (Janam / یانام) حضور داشت. یانام و تئاتر آزادی، هر دو، در قسمی حساسیت نسبت به سیاست و فرهنگ سهیم بوده‌اند. دسپانده گفت: «تئاتر هنر محض نیست، نمی‌تواند باشد. همان‌گونه که افراد تئاتر آزادی به من گفتند، آنان مبارزان آزادی را تعلیم می‌دهند. اما سلاح‌هایی که به کار می‌گیرند ابزار فرهنگ هستند.»

این ماه [اکتبر]، بازیگرانی از تئاتر آزادی به هند سفر می‌کنند، تا به یانام برای اجرای یک نمایش بپیوندند. این نمایش ابتدا در سرتاسر هند و سپس در سرتاسر فلسطین به اجرا در خواهد آمد. این هم‌بستگی است. هم‌چنین بخشی از دورنمای سیاسی فلسطینی‌ها است. همان‌طور که فیصل ابوالحیاه پیش‌تر در بازدیدی در همین سال از هند گفته: «اشغال وجود دارد، فتح وجود دارد، حماس وجود دارد، احزاب سیاسی دیگری هم وجود دارند. قتل و کشتار وجود دارد، انتفاضه وجود دارد. اما آزادی وجود ندارد. ما آموخته‌ایم که از هنر به عنوان ابزاری برای مقاومت علیه اشغال استفاده کنیم. تئاتر آزادی جایی است برای مردان، زنان و کودکان تا خود را بروز دهند. در مکانی که با ایستگاه‌های بازرسی و گشت تفکیک شده است، بر پا داشتن حسن‌اجتماع با هم‌دیگر بسیار با اهمیت است.» بدین ترتیب، هنر پادزهری است برای سیاسی‌گشی.

اشغال سرخوردگی به بار می‌آورد و تخیل سیاسی را محدود می‌کند. خشونت فرزند اشغال است. باید افق‌های دیگری خلق شود. این نقش فرهنگ است. فرانتس فانون در دوزخیان روی زمین (۱۹۶۳) نه تنها درباره‌ی ناگزیری خشونت در مبارزات ضد استعماری، بلکه هم‌چنین درباره‌ی نیاز به [ایجاد] «ادبیات مبارزه» نوشت. ادبیات مبارزه چه می‌کند؟ فانون می‌نویسد: «به آگاهی ملی قالب می‌بخشد و به آن شکل و طرح اعطا می‌کند و افق‌های نوین و بی‌کرانی پیش‌روی آن می‌گشاید.»

انتفاضه‌ی پایان‌ناپذیر حل‌نشده باقی می‌ماند تا اشغال پایان‌ناپذیر را به چالش بکشد. این دو هم‌زاد یک‌دیگرند. دیگر خیالات ناظر به آینده از میان و به‌واسطه‌ی این دو ظهور و بروز می‌یابند. همان‌گونه که رمی کنزی (Remi Kanazi) در مجموعه‌ی جدیدش با عنوان قبل از این‌که بمب بعدی بر سرمان خراب شود (Haymarket, 2015) می‌نویسد: «این شعر آپارتاید را پایان نمی‌بخشد.» اما تخیل را پدید می‌آورد، به‌سوی امکان‌های نوینی سوق می‌دهد و سیاستی نوین، سیاستی علیه سیاسی‌گشی، به وجود می‌آورد.

* ویجای پراشاد دبیر مرکز مطالعات بین‌الملل در ترینیتی کالج است. وی سروراستار نامه‌هایی به فلسطین (Verso) است.

این یادداشت ترجمه‌ای است از:

<http://www.counterpunch.org/2015/10/19/palestines-intifada-the-process-of-liberation-is-irresistible/>

برگرفته از تز یازدهم